

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

سال نهم، شماره ۳۵ (پاییز ۱۳۹۹) صص ۶۴-۳۵

سپاه قدس و گذر از امنیت جمعی به دفاع جمعی در بحران سوریه

■ محسن شفیعی سیف آبادی ■

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، یزد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر پردازش چگونگی تغییر مسیر سپاه قدس با فرماندهی سردار قاسم سلیمانی در گذر از «امنیت جمعی» به «دفاع جمعی» در بحران سوریه، بر مبنای الگوی مفهومی «دفاع جمعی» است. سؤال اصلی این جستار این است که «رویکرد سپاه قدس در رویارویی با بحران نظامی امنیتی سوریه چگونه بوده است؟» در همین راستا، فرضیه‌ای که به آزمون گذاشته می‌شود، عبارت است از اینکه «سپاه قدس با مدیریت شهید سلیمانی، از تئوری آرمانی امنیت جمعی مد نظر شورای امنیت گذر کرده و با به‌کارگیری شاخصه‌های مهم دفاع جمعی از قبیل برنامه‌ریزی پیشرفته، شناسایی دقیق دشمن، فهم ماهیت تهدید، نظام دفاعی محدود و تشکیل نظام دفاعی از گروه‌ها یا دولت‌های متحد منطقه، نقش بسزایی در تأمین امنیت و تقویت توان نظامی ارتش سوریه داشته است.» نتایج حاصل از تحقیق با روش توصیفی تحلیلی، نشان‌دهنده آن است که سپاه قدس با هدایت سردار سلیمانی در بحران سوریه، با اشراف به اینکه ائتلاف‌های بین‌المللی در تقابل با تروریست‌های سوریه، امنیت جمعی را نسبت به منافع سیاسی و اقتصادی خود در اولویت قرار نمی‌دهند؛ در راستای استراتژی دفاع جمعی، اقدام دقیق و پیچیده‌ای را در دستور کار خود قرار داده است. این اقدام‌ها عبارت‌اند از: ۱. ائتلاف با دولت‌های محدود و متحد؛ ۲. تشکیل بسیج مردمی و واردنمودن انرژی مردم به متن بحران؛ ۳. به‌کارگیری استراتژی‌های مهم جنگی بر حسب تجربه نظامی؛ ۴. ساماندهی ارتش کلاسیک سوریه؛ ۵. راهبری جبهه مقاومت و واردنمودن آن‌ها به‌عنوان بازوی کمکی. این رویکرد دفاعی، مشروعیت دولت بشار اسد و امنیت شهروندان سوری را بازتولید و سلفی‌های جهادی را با شکست سنگین مواجه نمود.

کلید واژگان: سپاه قدس، امنیت جمعی، دفاع جمعی، سوریه، سلفی‌های جهادی.

از ابتدای شکل‌گیری سازمان ملل، هر زمانی که شورای امنیت در زمینه‌پیشگیری از تحقق مخاصمات بین‌المللی یا کاهش اختلاف‌ها به نتایجی رسیده است، اعضای سازمان، آن‌ها را تمجید و تحسین کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در ارتباط با تحریم‌های بین‌المللی کره شمالی به‌خاطر آزمایش‌های موشکی این کشور، نیکی هیلی به‌عنوان نماینده‌دائم ایالات متحده در سازمان ملل، با این سخن که «این رفتار سیاسی مبین این است که اعضای شورای امنیت با فداکاری به‌موقع، امنیت جمعی همه‌ما را تضمین نموده‌اند» (Helal, 2018: 365) به تحسین اعضای شورای امنیت و کشورهای همسوی خود پرداخت. اما واقعیت، روایتگر این است که شورای امنیت در موارد بسیاری، منافع و دستاوردهای اقتصادی و سیاسی خود را بر تحقق صلح و امنیت بین‌المللی ارجحیت داده و به این طریق حقوق شهروندان بسیاری از ملل جهان را نادیده گرفته است. به‌عنوان مثال، مطابق بند یکم از ماده‌یک منشور ملل متحد به‌وضوح در وقایعی از جمله درگیری‌های میان «اعراب و اسرائیل»، «جنگ کوزوو» و جنگ هشت‌ساله «ایران و عراق»، ناکارآمد و ناموفق عمل نموده است. چنان‌که هیئت عالی دبیرکل سازمان ملل در همین رابطه به‌صراحت می‌گوید: «تصمیمات اتخاذشده از سوی شورای امنیت عمدتاً ناسازگار و غیر متقاعدکننده بوده و پاسخ در خوری به نیازهای امنیتی دولت‌ها و جامعه بشری دربر نداشته است» (Orakhelashvili, 2011: 361).

در ارتباط با تحولات اخیر سوریه نیز بان‌کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، در ۸ اسفند ۱۳۹۲، در بیستمین سالگرد نسل‌کشی «رواندا»، درگیری‌های داخلی کشور سوریه را به‌صراحت، نوعی از نسل‌کشی دولتی مانند آنچه در رواندا اتفاق افتاد، قلمداد نمود. او این دو تحول بزرگ را از جمله تخاصم‌هایی توصیف کرد که جوامع بین‌المللی در حل و فصل به‌موقع آن شکست خورده است. از همین رو، در دومین گزارش ماهانه خود، خواستار ورود شورای امنیت برای پایان دادن به بحران سوریه شد (ki-moon, 2013: 1). رزماری دیکارلو^۱ معاون سیاسی دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در ۷ اوت ۲۰۱۹ در نشست شورای امنیت سازمان ملل به کشتار و عملیات‌های خشونت‌بار اشاره نمود و نقش دولت سوریه را در این زمینه حتی بیشتر از گروهک‌های تکفیری دانست. (United Nations, 2019: 2) این در حالی است که رهبر ایران ضمن رد این تحلیل‌ها، و با فهم نیت ائتلاف بین‌المللی و خطرات امنیتی سلفی‌های جهادی در موضع‌گیری رسمی به‌صراحت تأکید نمودند: «موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، حمایت از هر گونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت آمریکا و

کشورهای دنباله‌رو آن، در مسائل داخلی سوریه است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). این استراتژی ایران خبر از ائتلاف و سیاست دفاعی مجزایی می‌داد که با فرماندهی سردار سلیمانی در کشور سوریه محقق شد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، درباره‌چگونگی عبور از امنیت جمعی مد نظر شورای امنیت و کیفیت این اقدام در راستای دفاع جمعی است و عبارت است از اینکه «رویکرد سپاه قدس در رویارویی با بحران نظامی امنیتی سوریه چگونه بوده است؟»

پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه پژوهش و حوزه‌های هم‌جوار آن بایسته است به آثاری به شرح زیر اشاره نمود:

۱. مقاله خسرو زال‌پور (۱۳۸۳)، با عنوان «نظام امنیت دسته‌جمعی و سازمان ملل متحد؛ مورد عراق». این مقاله در این زمینه به مطالعه موردی عراق می‌پردازد. نویسنده معتقد است که شکل‌گیری نظام هژمونیک استبدادی، بعد از رویداد یازده سپتامبر و اشغال کشور عراق به دست آمریکا، بدون مجوز رسمی شورای امنیت، نقطه‌ای محوری در افول نقش سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

۲. علی محمدی مصیری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «شهادت سپهبد قاسم سلیمانی، بازتولید امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی ایران» به این سؤال پاسخ می‌دهد که شهادت قاسم سلیمانی به دست آمریکا امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی ایران را چگونه متأثر می‌سازد. او با این فرض که شهادت سردار سلیمانی باعث بازتولید امنیت هستی‌شناختی انقلاب ایران و تقویت آن شده، به تحلیل داده‌های خود پیرامون این مسئله می‌پردازد.

۳. نورایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «ملاحظه‌ای نظری پیرامون حقوق بین‌الملل عمومی و امنیت جمعی»، به تحقیق درباره رابطه حقوق بین‌الملل عمومی و امنیت جمعی پرداخته است. به باور او، توسل به زور با تجویز شورای امنیت، یکی از اقسام نظام امنیت جمعی ملل متحد است که لزوماً موفق نبوده است.

۴. موسی و محمد عاکفی قاضیانی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «عملکرد نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد: توسل به زور با تجویز شورای امنیت»، به دنبال فهم سازوکار توسل به زور با تجویز شورای امنیت سازمان ملل و همچنین بررسی انتقادات مطرح‌شده بر این سازوکار هستند. نویسندگان معتقدند سازوکار توسل به زور شورای امنیت، تنها در بعضی مواقع کارآمد بوده است.

میرهن است که مقاله حاضر نه تنها از منظر چارچوب نظری مفهومی، سؤال، اهداف اصلی و روش با مقاله‌های یادشده متفاوت است، بلکه در زمینه‌هایی همچون ۱. بررسی چگونگی عملکرد سپاه قدس و سردار سلیمانی در سوریه؛ ۲. تشریح چگونگی گذار از امنیت جمعی به دفاع جمعی؛ ۳. پردازش نقش سردار سلیمانی در چارچوب کارویژه‌های نظام امنیت دفاعی، با مقاله‌های ذکرشده متفاوت است.

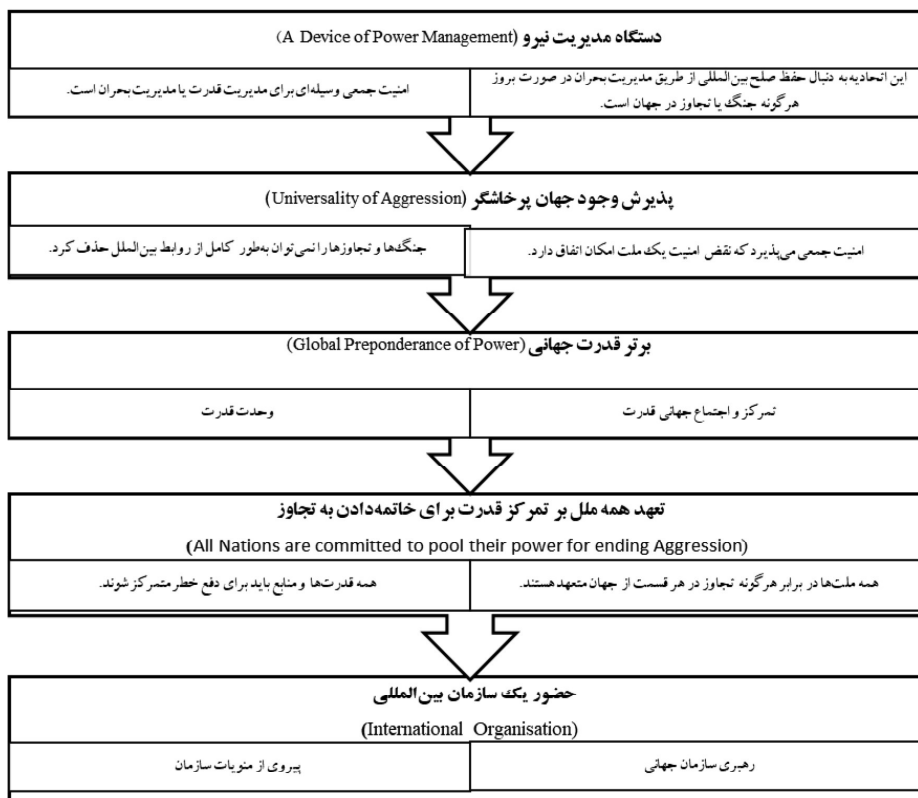
چارچوب نظری و مفهومی

به‌زعم برخی، در حال حاضر امنیت جمعی به‌عنوان نویدبخش‌ترین رویکرد صلح بین‌المللی تلقی می‌شود. این سیستم به‌عنوان ابزار ارزشمند مدیریت بحران در روابط بین‌الملل تلقی می‌شود و برای محافظت از صلح و امنیت بین‌المللی در برابر جنگ و تجاوز در هر قسمت از جهان طراحی شده است. (Neuhold, 2016: 48) به عبارتی، امنیت جمعی دربردارنده تعهد همه کشورهای در برخورد جمعی با حمله‌ای است که ممکن است از سوی هر کشور علیه کشور دیگر انجام شود. بر این مبنای، جنگ یا تجاوز به‌عنوان نقض صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود و امنیت جمعی به معنای اقدامات جمعی همه‌ملت‌ها در دفاع از صلح است (Orakhelashvili, 2011: 5-10).

در همین راستا، ۱. جورج شوارتز نبرگ^۱ معتقد است، امنیت جمعی وسیله‌ای برای اقدام مشترک به‌منظور جلوگیری یا مقابله با هر گونه حمله علیه نظم بین‌المللی مستقر است؛ ۲. پالمر و پرکینز^۲ معتقدند که امنیت جمعی به‌وضوح متضمن اقدام جمعی برای مقابله با تهدیدهای صلح است؛ ۳. شلاپچر^۳ معتقد است امنیت جمعی، مبنایی در میان کشورهای است که بر اساس آن همه متعهد می‌شوند در صورت بروز جنگ و تجاوز به هر یک از اعضای سیستم، به کمک یکدیگر بیایند (Weller, 2015: 153).

بر مبنای آنچه بیان شد، دو عنصر اصلی امنیت جمعی عبارت‌اند از: ۱. امنیت هدف اصلی همه‌ملت‌هاست. در حال حاضر امنیت هر ملتی با امنیت سایر ملل پیوند ناگسستنی دارد و امنیت ملی بخشی از امنیت بین‌المللی است؛ ۲. اصطلاح «جمعی»، به‌عنوان بخشی از مفهوم امنیت جمعی، معرف این اصل اساسی است که در صورت وقوع هر گونه جنگ یا تعرض علیه امنیت هر ملتی، باید از امنیت آن ملت دفاع شود. به عبارتی، قدرت دفع متجاوز باید به‌وسیله قدرت جمعی همه‌ملت‌ها تأمین شود و همه‌ملت‌ها ملزم به ایجاد برتری بین‌المللی قدرت برای نفی تجاوز یا پایان دادن به جنگ هستند (Connel' O, 2019: 154).

1. George Schwarzenberger
2. Palmer and Perkins
3. Schleicher



شکل ۱: مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت جمعی

از تعریف، ماهیت و محتوای امنیت دسته‌جمعی این‌گونه برمی‌آید که در بردارنده تئوری آرمانی است تا عملی. به نظر می‌رسد برای دستیابی به صلحی پایدار بر مبنای مفهوم امنیت جمعی، باید وضعیت خاصی در نظام بین‌المللی وجود داشته باشد که عبارت‌اند از: ۱. توافق همگانی در تعریف از جنگ و متجاوز؛ ۲. وجود سازمان مورد پذیرش ملل جهان؛ ۳. نقش بی‌طرف و قدرتمندتر شورای امنیت سازمان ملل، و تعهد قوی اعضای دائمی آن به نفع امنیت جمعی و صلح و امنیت بین‌المللی؛ ۴. وجود یک نیروی دائمی برای صلح بین‌المللی؛ ۵. روشی مشخص برای خاتمه هر اقدام علیه امنیت جمعی؛ ۶. رواج ابزارهای مسالمت‌آمیز برای حل منازعات؛ ۷. توسعه اقتصادی و پایدار همه کشورها؛ ۸. تقویت ابزارهای صلح‌آمیز مدیریت بحران و صلح بین‌المللی (Abdullahi, 2014: 38).

نبود چنین سازوکارها و وضعیتی در محیط بین‌الملل، نظام سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و فرماندهان سپاه قدس را مجاب نمود تا برای دفع حملات سلفی‌های جهادی، از تئوری امنیت دسته‌جمعی گذر نموده و به نظام «دفاع جمعی» نزدیک شوند. دفاع جمعی به سازماندهی نیروها و ابزارهای نظامی برای نابودی هرگونه تجاوز توسط دشمن علیه هر یک از اعضای سیستم دفاع

جمعی اطلاق می‌شود. در این رویکرد، از سوی گروهی از ملت‌ها یا دولت‌ها، یک ترتیب دفاع جمعی انجام می‌شود که درک مشترکی از «خود» و «تهدید امنیت خود از طرف دشمن مشترک» دارند. معمولاً سیستم دفاع جمعی به صورت اتحاد دفاعی منطقه‌ای، سازماندهی می‌شود. این رویکرد تدافعی، صرفاً اعضای سیستم دفاع جمعی را شامل می‌شود (Housden, 2014:3).

بنابراین دفاع جمعی، به نوعی همان اتحاد نظامی و دربرگیرنده توافقی رسمی بین ملت‌ها با موضوع امنیت ملی است. در این اوضاع، ملل و دول متحد در اتحاد نظامی فعال، در صورت بروز بحران، در دفاع از یکدیگر موافقت می‌کنند (Bergsmann, 2001: 20-30). در صورت حمله به ملتی، اعضای اتحاد موظف‌اند بدون توجه به حمله مستقیم دشمن به مواضع و منافعشان، به دفاع از آن‌ها بپردازند. البته ذکر این نکته اهمیت دارد که در پی جنگ جهانی دوم، اتحادهای نظامی معمولاً کمتر تهاجمی رفتار نمودند و بیشتر به عنوان عامل بازدارنده عمل کردند. به باور برخی، دفاع جمعی به کشورها این امکان را می‌دهد که در مقابل تهدیدهای در حال توسعه، برای دفاع بهتر از خود و متحدان، در یک زمان دقیق، در زمینه نظامی یا زمینه‌های دیگر پیشقدم بمانند و قدرت دفاع جمعی را تجربه کنند.

اتحادهای نظامی را می‌توان به پیمان‌های دفاعی و پیمان‌های عدم تجاوز طبقه‌بندی کرد (Leeds, 2019: 429-435). این شکل از اتحادها ممکن است پنهان باشند (همان‌طور که از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۶ متداول بود) یا ممکن است عمومی باشند (Krause, Singer, 2001: 16-22). ناتو معروف‌ترین سازمان دفاع جمعی است. ماده ۵ معروف آن از کشورهای عضو می‌خواهد (اما به طور کامل متعهد نمی‌شود) که به اعضای مورد حمله کمک کنند. البته به این ماده، تنها پس از حملات یازده سپتامبر به ایالات متحده استناد شد و پس از آن، سایر اعضای ناتو با شرکت در جنگ افغانستان، به این جنگ با رویکرد منافع‌محور ایالات متحده کمک کردند (Kuo, 2019: 65-80). بنابراین، ریشه‌پدافند جمعی در ائتلاف‌های چندحزبی است و منافع زیادی را در پی دارد. از یک سو، با ادغام منابع می‌تواند هزینه‌هر یک از دولت‌ها را برای تأمین امنیت کامل خود کاهش دهد. به عنوان مثال، اعضای کوچک‌تر در نظام دفاع جمعی آزادی عمل دارند تا نسبت بیشتری از بودجه خود را بر اولویت‌های غیر نظامی، مانند تحصیل یا بهداشت سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا در صورت نیاز می‌توانند بر کمک دیگر اعضای خود حساب کنند. از سوی دیگر، دفاع جمعی می‌تواند شامل تعهدات مخاطره‌آمیز باشد. توضیح آنکه امکان دارد ورود به جنگ برای کشورهای عضو پرهزینه شود (Tucker, Hendrickson, 1992: 64-65). با این حال، انگیزه آشکار در دولت‌هایی که در

چهارچوب اتحاد نظامی هستند، محافظت از خود در برابر تهدیدهای کشورهای دیگر است. این امر در بهبودبخشیدن به روابط میان دولت‌ها بسیار تأثیرگذار است. ماهیت اتحادها، از جمله شکل‌گیری و انسجام آن‌ها (یا نبود آن‌ها)، موضوع بسیاری از مطالعات دانشگاهی در گذشته و حال است و محققان برجسته و بزرگی چون گلن اسنایدر^۱ و استفان والت^۲ در زمینه دفاع جمعی، پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند. بر اساس مطالعه آن‌ها، در سال ۲۰۱۹ تقریباً همه اتحادها از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۶ مخفی بوده‌اند. البته در دوره‌های زمانی دیگر، اتحادهای پنهان نادر بوده است. با توجه به مطالعه کلاسیک مانکور اولسون^۳ درباره اتحادهای دفاع جمعی، دولت‌های کوچک اغلب از مشارکت دولت بزرگ و قدرتمندتر در اتحاد دفاع جمعی، سود بیشتری می‌برند. (Weitsman, 2003: 18-19)

در جمع‌بندی کلی، تئوری امنیت دسته‌جمعی با دفاع جمعی تفاوت‌های اساسی دارد که عبارت‌اند از: ۱. دفاع جمعی یک سیستم محدود یا گروهی است؛ در حالی که امنیت جمعی یک سیستم جهانی است (Olson, Zeckhauser, 1966: 269-275).

۲. تهدید احتمالی در امنیت جمعی ناشناخته است. این در حالی است که در دفاع جمعی، هم تهدید و هم عامل تهدید امنیت شناخته شده است.

۳. در دفاع جمعی دشمن از قبل شناخته شده است؛ اما در امنیت جمعی دشمن شناخته شده نیست (Byman, 2006: 769-809).

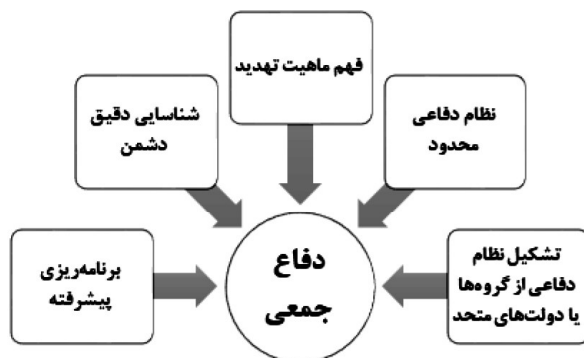
۴. دفاع جمعی، برنامه‌ریزی پیشرفته را می‌پذیرد؛ ولی امنیت جمعی آن را نمی‌پذیرد^۴. بنابراین، برنامه‌ریزی پیشرفته در دفاع جمعی امکان‌پذیر است؛ زیرا دشمن از قبل شناخته شده است. در امنیت جمعی این مسئله به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا دقیقاً هیچ کشوری هدف نیست. تنها وقتی تجاوز یا جنگ یا تهدید به جنگی، از جانب هر یک از اعضای جامعه بین‌المللی انجام شود، این عملیات پیگیری می‌شود (Abdullahi, 2014: 59).

1. Glenn Snyder

2. Stephen Walt

3. Mancur Olson

4. Collective Security: Meaning, Nature, Features and Criticisms



شکل ۲: مدل مفهومی دفاع جمعی (محقق یافته)

گذر از امنیت دسته‌جمعی به دفاع جمعی

واقعیت آن است که از منظر مسئولان ارشد جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با بحران سوریه، تئوری امنیت دسته‌جمعی نه قابلیت اجرا داشته و نه رویکردهای منافع‌محور و ساختارهای کلی نظام بین‌الملل امکان تحقق آن را فراهم می‌کند. در عرصه بین‌المللی و در رأس رویکرد امنیت جمعی سازمان ملل، آمریکا وجود دارد که اهداف و آرمان‌های آن از نگاه رهبری کاملاً متفاوت با منافع ملی ایران و منافع مردم سوریه است. «هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه، ضربه‌زدن به خط مقاومت در منطقه است؛ زیرا سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱). در همین راستا نیز سردار سلیمانی به‌عنوان بازوی اجرایی و نظامی ایران در خاورمیانه و منطقه سوریه، ضمن معتقدبودن به مواضع رهبری، دلیل روی‌آوری به سیاست دفاع نظامی را ناکامی دیپلماسی و الزام دفاع قاطع می‌داند. در نتیجه، رویکردهای عملی و میدانی را نسبت به ابزارهای دیپلماتیک و آرمان‌گرایانه مقدم می‌داند؛ زیرا باور دارد که «آن منطق (استدلال‌ها و رویکردهای گروهک‌های سلفی جهادی)، منطق دیپلماسی نبود» (سلیمانی، ۱۳۹۹: ۱). بر همین مبنا، از امنیت جمعی عبور کرده و به دفاع جمعی که متخصص آن است، روی می‌آورد. در ادامه، بر مبنای مدل مفهومی دفاع جمعی، مهم‌ترین شاخصه‌های این شکل از دفاع سپاه قدس به شرح زیر بیان می‌شود.

تشکیل نظام دفاعی از گروه‌ها و دولت‌های متحد

تشکیل نظام دفاعی به‌گونه‌ای که هم گروه‌های مردمی و محورهای مقاومت و هم دولت‌های محدود، ولی مشترک‌المنافع را دربر گیرد، یکی از سخت‌ترین کنش‌هایی بود که سپاه قدس با برنامه و مدیریت افرادی چون سردار سلیمانی موفق به انجام آن شد. در همین راستا، سپاه قدس

ایران به فرماندهی قاسم سلیمانی، پس از ورود مستشاری به خاک سوریه، گروه‌های مسلح شیعه را از سراسر منطقه بسیج کرد و برای نجات دولت اسد با حزب‌الله و حشدالشعبی هماهنگی نزدیک برقرار نمود. سردار سلیمانی به‌خصوص در ارتباط با حشدالشعبی، نقش مهمی در تشکیل ائتلاف گروه‌های کوچک و بزرگ داشت؛ گروه‌هایی چون عصائب اهل حق، کتائب حزب‌الله، کتائب امام علی، سرایای الحسین، مقاومت اسلامی النجباء عراقی، سپاه بدر، کتائب سید الشهداء و... در واقع بدون ۱. تمهیدات قاسم سلیمانی و ارتباطات ویژه‌وی؛ ۲. هدایت راهبردی رهبر ایران و درخواست کمک دولت‌های سوریه و عراق؛ ۳. فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی علیه داعش، نه تشکیل این گروه ممکن بود و نه کمک آن‌ها به حل بحران سوریه می‌انجامید. این گروه‌ها که متشکل از شیعیان، سنی‌ها، مسیحیان و زیدی‌های عراق بودند، با شبیه‌سازی «بسیج» ایران تشکیل شدند و نگاهی ملی به عراق داشتند. هدف آن‌ها هم امنیت و ثبات و آرامش برای هم‌عراقی‌ها بود.

سلیمانی همچنین طراح و معمار اصلی ورود مستشاری حزب‌الله به سوریه بود. در بحران سوریه، سلیمانی از روابط دیرینه‌خود با حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان، بهره برد و از نزدیک با رهبر نظامیان شیعه همکاری کرد تا از عدم سقوط رژیم بشار اسد اطمینان حاصل کند. سلیمانی با وارد کردن هزاران نیروی محور مقاومت نه‌تنها از ایران، بلکه از عراق، افغانستان، پاکستان و البته لبنان، نقش بسیار بزرگی ایفا کرد. این مهم از نگاه تحلیل‌گران منطقه‌خاورمیانه دور نبوده، چنان‌که به‌صراحت اذعان می‌دارند: «این لژیون خارجی^۱ شیعه برای نجات رژیم سوریه بسیار حیاتی بود و وقتی بقای رژیم اسد در جریان بود، نیروی انسانی آن را تقویت می‌کرد» (Mona, 2020). با وجود این، علی‌رغم نقش استراتژیک سردار سلیمانی، شهادت وی تلاش سپاه قدس را برای استحکام اتحاد با سوریه کاهش نداد. «سلیمانی اساساً کمک کرد تا زمینه‌راهبردی به‌گونه‌ای فراهم شود که اگر سال‌ها نباشد، ادامه خواهد یافت» (Mona, 2020). قدرت منحصربه‌فرد سردار سلیمانی برای شکل دادن به سیاست خارجی ایران، به‌خصوص در عرصه منطقه‌ای و اقدام تهاجمی منسجم و برنامه‌ریزی شده، او را مبدل به فرمانده بی‌نظیر نظامی و اطلاعاتی در منطقه کرد. گفتنی است که ترامپ این اقدام سردار سلیمانی را «فعالیت بد»^۲ علیه منافع منطقه‌ای و متحدان ایالات متحده می‌نامید.

نقش و جاذبه و قدرت سپاه قدس و سردار سلیمانی در ائتلاف دفاعی، به‌قدری تأثیرگذار بود که

1. foreign legion
2. malign activity

بسیاری را ناچار به اقرار در این زمینه کرد. به‌عنوان مثال مایکل نایتس،^۱ متخصص خلیج فارس در انستیتوی واشنگتن با سال‌ها تجربه همکاری با سازمان‌های محلی نظامی و امنیتی در عراق و خلیج فارس،^۲ معتقد است: «قاسم سلیمانی شخصیتی منحصر به فرد است. ما کسی مانند او در ایالات متحده نداریم و از آنجا که وی باتجربه، توانا و دارای اعتماد کامل به رهبر معظم ایران بود، ظرفیت‌های خود را در حد بسیار بالایی ارتقا داد» (Turak, 2020). رومان شوایزر،^۳ مدیرعامل هوافضا و دفاع در گروه تحقیقاتی کاوون واشنگتن،^۴ درباره جایگاه سردار سلیمانی می‌گوید: «به‌صراحت، این (ترور) معادل کشتن رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده یا مدیر آژانس اطلاعات مرکزی توسط ایران است» (Turak, 2020). فیلیپ اسمیت،^۵ کارشناس نظامیان اسلام‌گرای شیعه و یکی از اعضای ارشد مؤسسه واشنگتن،^۶ به‌صراحت عنوان می‌کند: «ما دیده‌ایم که او چه کرده است. به سوریه نگاه کنید، به عراق نگاه کنید، از نظر ایجاد نفوذ ایران و نگاه داشتن بشار اسد در آنجا. حالا او همان مردی است که فرمان جنگ با شورشیان را می‌دهد» (Turak, 2020).

بخش زیادی از ظرفیت‌های سلیمانی در طول دوران بحران سوریه، صرف کنشگری فعال برای ائتلاف دفاعی با همفکرانش در سوریه و لبنان شد. او با این ائتلاف، یک محور مقاومت را تشکیل داد که در برابر قدرت‌های مسلط سنی منطقه و غرب قرار گرفته بود. سپاه قدس و سلیمانی در وحدت میان نیروهای سوریه و کردها نیز اثربخش بودند. پیش از فراگیر شدن درگیری در سوریه، سپاه قدس ارتباط مناسبی با کردها داشت و بعد از شدت گرفتن بحران، از رهبران کرد در عراق خواست به سردار سلیمانی اجازه دهند مسیر شمال عراق و سوریه را باز کند. در دمشق، سردار سلیمانی در پست فرماندهی قدرتمندی قرار داشت؛ جایی که او مجموعه‌ای از افسران چندملیتی همچون رؤسای ارتش سوریه، یک فرمانده از حزب‌الله و یک هماهنگ‌کننده از شبه‌نظامیان شیعه عراق را جهت راهبری عملیات‌ها گرد هم آورده بود. افسران ایرانی سپاه قدس با هماهنگی او، شبه‌نظامیان را آموزش داده و سیستم دقیقی را برای نظارت بر ارتباطات شورشیان ایجاد کردند. آن‌ها همچنین شاخه‌های مختلف سرویس‌های امنیتی بشار اسد را که برای مواقع فوق حساس طراحی شده‌اند،

1. Michael Knights

2. a Gulf expert at the Washington Institute with years of experience working with local military and security agencies in Iraq and the Persian Gulf

3. Roman Schweizer

4. managing director for aerospace and defense at the Cowen Washington Research Group

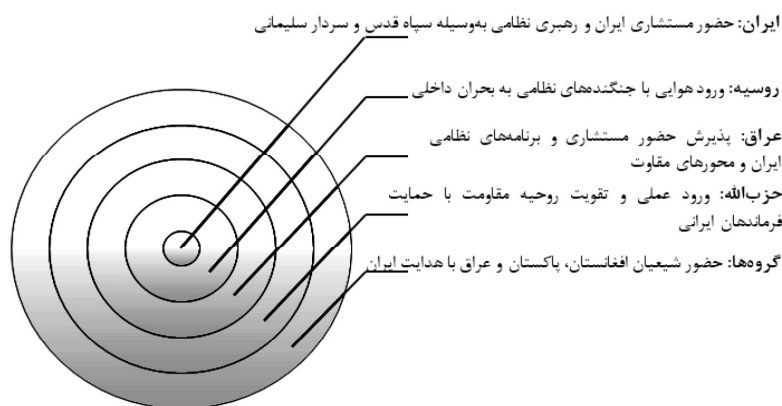
5. Phillip Smyth

6. a Shia Islamist militarism expert and senior fellow at the Washington Institute

برای افزایش قدرت و سلطه اطلاعاتی به جمع خود اضافه نمودند. تحلیل‌گران معتقدند که تعداد نیروهای خارجی و ایرانی تحت امر سردار سلیمانی، به همراه شبه‌نظامیان شیعه‌عراقی که با خود آورده بود و در سراسر کشور پخش می‌شدند، به چندین هزاران نفر می‌رسید (Azodi, 2017).

نقطه عطف تشکیل نظام دفاعی گروه‌های مختلف، زمانی اتفاق افتاد که تکفیری‌ها شهر قصیر سوریه، نزدیک مرز لبنان را تصرف کردند. در این زمان سلیمانی با هماهنگی دولت سوریه، برای بازپس‌گیری شهر، سید حسن نصرالله را به فرستادن بیش از دو هزار مبارز برای قدرت‌یابی محور مقاومت و کمک به امنیت شهروندان سوری فراخواند. قصیر در ورودی دره بقاع قرار دارد که منطقه‌ای فوق‌العاده مهم برای حزب‌الله است. به گفته‌ویل فولتون، کارشناس ایران در انستیتوی اینترپرایز آمریکایی، مبارزان حزب‌الله قصیر را محاصره کردند، جاده‌ها را قطع کردند و سپس به آنجا منتقل شدند. مگوایر معتقد است: «کل عملیات توسط سلیمانی مدیریت می‌شد ... این یک پیروزی بزرگ برای او بود» (Doucet, 2020).

علاوه بر این، در سال ۲۰۱۵ سپاه قدس و سلیمانی با هماهنگی بشار اسد، به جمع‌آوری پشتیبانی از منابع مختلف در داخل و حتی خارج از کشور سوریه و در سطح بین‌الملل، برای مبارزه با گروه افراطی تازه‌احیاشده داعش و دیگر مخالفان نظام سیاسی حاکم بر سوریه، همچون ارتش آزاد مبادرت کردند. داعش و ارتش آزاد، پیش‌تر موفق شده بودند مناطق وسیعی را از چنگ نیروهای بشار اسد خارج کنند. بر همین مبنای بسیاری سلیمانی را معمار اصلی همکاری مشترک روسیه و به‌عنوان متحد قوی با اسد و محور مقاومت قلمداد می‌کنند. در آن مقطع، در یکی از جلسات در مسکو، سلیمانی با حمایت از نظام سیاسی حاکم بر سوریه و لزوم بقای آن، برای میزبانان روسی خود توضیح داد که چگونه می‌توان با کمک و حمایت منطقه‌ای روسیه برخی از شکست‌های عملیاتی و نظامی بشار اسد را به پیروزی تبدیل کرد. بنابراین، سفر سلیمانی در مرداد ۱۳۹۴ و فروردین ۱۳۹۵ به مسکو اولین گام در برنامه‌ریزی برای حمایت نظامی روسیه بود که جنگ سوریه را تغییر داد و اتحاد دفاعی جدیدی بین ایران و روسیه در حمایت از دولت‌های سوریه و عراق ایجاد نمود (Reuters, 2015: 4-5).



شکل ۳: نقش محوری ایران در تشکیل نظام دفاعی

بنابراین، آمریکا با کمک کشورهای غربی و استرالیا و متحدان عربی‌اش ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و جبهه النصره را تشکیل داد؛ اما به‌علت کارشکنی‌های بسیار آن‌ها، سپاه قدس و سلیمانی در مسیر تشکیل دفاع جمعی قرار گرفتند. در این فضا ارتش کلاسیک سوریه که در زمان و مکان‌های بسیاری در مواجهه با داعش و جبهه النصره شکست سهمگینی خورده بود، نیاز به نیروی زمینی داشت (Al-Ameri, 2015). ایران، هم به این کشور نیرو اعزام کرد و هم نیروهای داخلی آن را آموزش داد و هم نیرویی با عنوان نیروی دفاع ملی، همانند نیروهای بسیج ایران تشکیل داد. با هدایت ایران همچنین کردهای کردستان و سوریه نیز پیکار با داعش را در عرصه‌میدانی شروع کردند. مقاومت کردها در کوبانی به نقطه عطفی در جدال با داعش تبدیل شد و پیشروی این گروه تروریستی را متوقف کرد. در واقع، نیروی نظامی که سردار سلیمانی در منطقه‌خاورمیانه گسترش داد، ارتش کلاسیک نبود، بلکه گروهی شبه‌پارتیزانی بود که ظرفیت اقدام در چارچوب عملیات نامتقارن و شیوه‌های غافلگیری و کمین مخفیانه را با قابلیت بسیار زیادی دارا بود (Pollack, 2017).

برنامه دقیق سردار سلیمانی برای مبارزه با مخالفان داخلی بشار اسد

همان‌طور که پیش‌تر بر مبنای مدل مفهومی دفاع جمعی اشاره شد، برخلاف رویکرد آرمانی و بی‌برنامه‌امنیت جمعی، در سیستم دفاع جمعی برنامه‌های پیشرفته‌ای به‌منظور رسیدن به هدف در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا، یکی از اقدامات مناسب سپاه قدس در زمینه‌دفاع و برقراری صلح و ثبات در منطقه، به‌ویژه در سوریه، طراحی عملیات‌های راهبردی، تصمیم‌گیری مناسب و برنامه‌ریزی دقیق بود. در ادامه به برخی از این اقدامات اشاره می‌شود.

۱. بررسی وضعیت توپخانه در سوریه: از اولین اقدام سپاه قدس و سردار سلیمانی، بررسی وضعیت توپخانه سوریه بود. در این زمینه او سردار چهارباغی، از فرماندهان نسل اول توپخانه سپاه را که هشت سال فرماندهی توپخانه و موشکی نیروی زمینی را به عهده داشت، مأمور به این کار کرد. در این میان، اولین مشکلی که با آن مواجه شدند، این بود که بخش درخور توجهی از افسران ارتش از بدنه نیروهای مسلح سوریه جدا شده بودند. «وضعیت ارتش سوریه را دیدیم و متوجه شدیم تخصصشان خوب است و تجهیزات خوبی هم دارند؛ ولی مشکل این بود که بخشی از ارتش سوریه رفته و به دشمن پیوسته بودند و ارتش آزاد (جیش الحر) را تشکیل داده بودند. توپ و مهمات بود؛ اما نیرو نبود که این‌ها را به کار بگیرد. البته در برخی جاها تجهیزات و توپ‌ها را هم با خودشان برده بودند» (چهارباغی، ۱۳۹۹: ۱). از همین رو، چهارباغی در سال ۱۳۹۱ ظرف پانزده روز، یک گزارش کامل از وضع توپخانه تهیه نمود و به سردار سلیمانی ارائه کرد (Hashem, 2015).

۲. راه‌اندازی توپخانه و تشکیل مهپا: در زمان اوج بحران، جبهه النصره بخش درخور توجهی از نیروهای خود را در اطراف دمشق مستقر نموده بود. به عنوان مثال، بخشی از جاده‌اصلی اتوبان دمشق به حمص، به دست جبهه النصره و دیگر مخالفان بشار اسد افتاده بود. استراتژی سپاه قدس آن بود که مطابق منویات رهبری با استفاده از مهمات و ابزار توپخانه، مناطق تحت سیطره جبهه النصره و مخالفان بشار اسد را، با کمترین آمار شهید و مجروح، آزاد کند. از همین رو، مطابق تجربیات زمان جنگ، مرکز هماهنگی و پشتیبانی آتش (مهپا) در سوریه تشکیل شد. در این راستا، هواپیما، هلی‌کوپتر، توپخانه و خمپاره در مرکز هماهنگی و پشتیبانی قرار گرفت و نیروها توانستند بسیاری از مناطق را صرفاً با آتش و نیاز کمی به نیرو بازپس بگیرند (Mchrystal, 2019).

۳. انتقال تسلیحات و مهمات لازم از مراکز فرماندهی سوریه و وزارت دفاع ایران به خط مقدم در کمترین زمان ممکن: سپاه قدس و حاج قاسم نفوذ و ظرفیت و قدرت زیادی در ساختار نظامی ایران و سوریه داشتند. هم‌زمان سردار سلیمانی به صراحت به این نکته اشاره می‌کنند که او وقتی از برنامه‌های دقیق همراهان خود مطلع می‌شد، برای کمک به آن‌ها خود به‌طور مستقیم و بی‌واسطه با مسئولان ارتباط برقرار می‌کرد: «وقتی اعلام نیاز می‌کردیم، از همان حلب مستقیم به وزیر دفاع در ایران زنگ می‌زد و می‌گفت فلان مهمات را کم داریم و برایمان بفرستید ... این قدرت فرماندهی حاج قاسم بود. همه هم به حرفش گوش می‌کردند؛ چون هم خودش فرمانده میدانی جمهوری اسلامی بود و هم حضرت آقا محکم از او حمایت می‌کرد و حاج قاسم هم از این

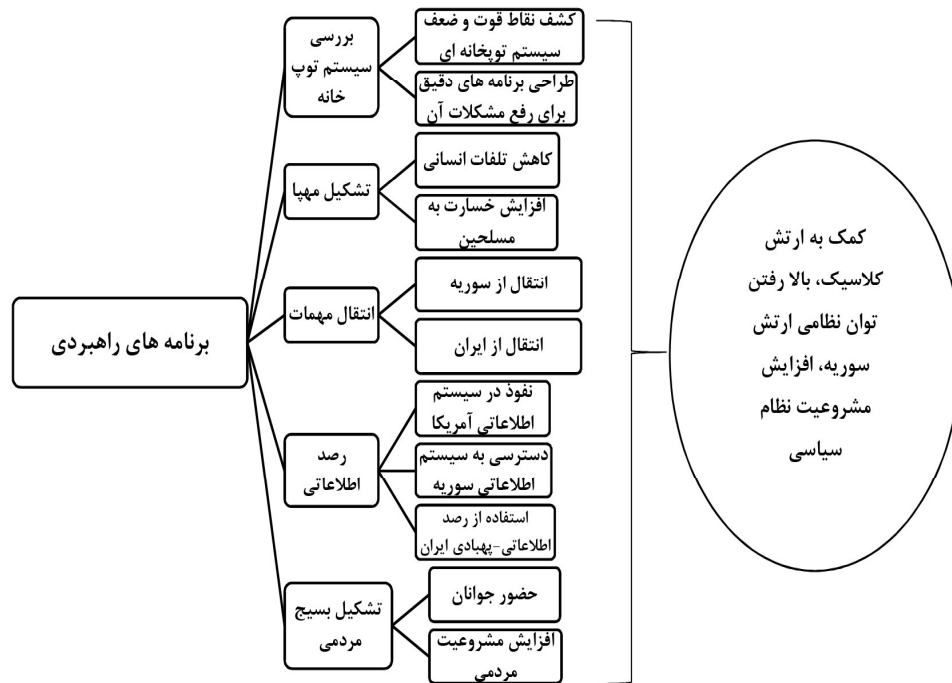
حمایت آقا حداکثر استفاده را می‌کرد تا اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی در میدان پیاده کند» (چهارباغی، ۱۳۹۹: ۲).

۴. رصد اطلاعاتی؛ استفاده از فیلم‌های رصدشده پهبادهای ایرانی و حتی آمریکایی و عملیات‌های به‌موقع: پیش‌تر حاجی‌زاده، فرمانده نیروهای هوافضای سپاه از این موضوع پرده برداشته بود که «پهبادهای آمریکایی در بسیاری از مواقع شبه‌نظامی‌های تکفیری را در حال کاشت مین می‌دیدند، مقرر فرماندهی آمریکا در مرفوک را هر روزه چک می‌کرده، تانکرهای نفتی آن‌ها، اجتماع تکفیری‌ها برای انجام مراسم اعدام و سیستم تدارکاتی این گروهک را در تیررس خود داشته، اما نیت و اراده از بین بردن آن‌ها وجود نداشته است.» سپاه قدس با آگاهی از بازی پیچیده آمریکا، با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی خود، ضمن پی‌بردن به سکوت استراتژیک ایالات متحده در تقابل با تکفیری‌ها، به داده‌های مهم و اطلاعاتی آن‌ها نفوذ نمود و از آن بهره‌کافی برد. همچنین در زمینه رصد اطلاعاتی، هم از سیستم اطلاعاتی بشار اسد استفاده کرد و هم پهبادهای ایرانی را به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات سرّی به کار گرفت. (Mehr News, 2015)

۴. تشکیل نیروهای دفاع ملی سوریه (NDF):^۱ تشکیل نیروهای دفاع ملی و استفاده از این نیروهای مردمی در حرم‌های مطهر و شاهراه‌های اصلی و عملیات چریکی به سبک بسیج مردمی ایران در جنگ هشت‌ساله، یکی از برنامه‌های راهبردی و دقیق نیروهای سپاه ایران و سردار سلیمانی برای تقابل با مخالفان امنیت سوریه بود. با این استراتژی، این نیروها از طبقات اجتماعی و واحدهایی در سراسر استان‌های مختلف سوریه تشکیل شد. هر یک از آن‌ها، متشکل از داوطلبان محلی بودند که با دلایل ملی‌مذهبی و دفاع از حرم‌های مطهر، مایل به جنگ با شورشیان شده بودند. واقعیت آن است که سپاه قدس وقتی با ضعف ارتش کلاسیک سوریه آشنا شد، در کنار نیروهای گروه ائتلاف، از نیروهای مردمی و وفادار به نظام بشار اسد نیز در زمان مناسب برای بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته استفاده نمود. هدف این بود که نیرویی مؤثرتر و محلی و بانگیزه، از حامیان دولت تشکیل شود. از نظر برخی از تحلیل‌گران، از آنجا که مردان جوان زیادی به این نیروها پیوستند، نیروهای دفاع ملی نسبت به ارتش کلاسیک جذابیت بیشتری نسبت به ارتش سوریه پیدا نمود؛ به طوری که در بعضی از روستاهای علوی تقریباً همه مردان آن به نیروی دفاع ملی پیوستند. (Mechrystal, 2019)

برخی نیز مانند مردم دروزی در استان السویدا، با انگیزه محافظت از سرزمین خود در برابر داعش

متحد شدند. در اواخر ژوئن ۲۰۱۵، دولت سوریه نیز شروع به مسلح کردن شهروندان این استان علیه سلفی‌های جهادی کرد که با آدم‌ربایی و اعدام و چپاول، مردم محلی را آزار می‌دادند. به تدریج آن‌ها به گروهی بزرگ و قدرتمند در نیروهای دفاع ملی تبدیل شدند. در این زمان، قاسم سلیمانی، شخصاً کنترل نیروهای دفاع ملی را به دست گرفت. مقامات امنیتی سوریه در جریان حضور مستشاری سپاه قدس، به صراحت اعتراف می‌کنند که آن‌ها از طرف ایران و حزب‌الله به‌عنوان کانون محورهای مقاومت هدایت می‌شدند که هر دو نقشی اساسی در رسمی‌سازی نیروهای دفاع ملی با مدل بسیج ایران داشتند. همچنین اذعان می‌دارند که افراد تازه‌استخدام‌شده نیروهای دفاع ملی در جنگ‌های چریکی شهری از مریبان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله، آموزش می‌دیدند (Weiss, 2014).



شکل ۴: برنامه‌سپاه قدس برای مبارزه با مخالفان داخلی بشار اسد

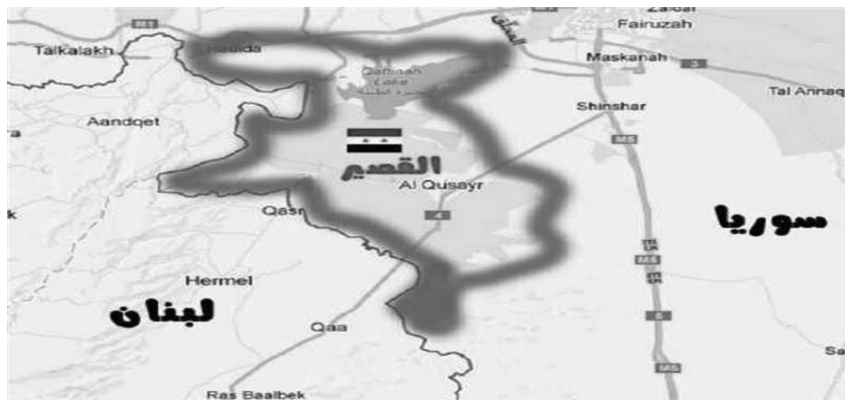
نظام دفاعی محدود

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در سیستم دفاع جمعی نسبت به امنیت جمعی، تعداد نیروهای متحد کمتر و هماهنگی آن‌ها بیشتر بود. در ارتباط با تحولات سوریه ذکر این نکته اهمیت دارد که اولین متحد سوریه در تقابل با نیروهای تکفیری، دولت ایران بود. واکاوی تاریخ تحولات منطقه‌خاورمیانه نشان می‌دهد که از دیرباز ایران و سوریه دو متحد کاملاً استراتژیک بوده‌اند. در ادبیات سیاسی نظام

جمهوری اسلامی ایران، دولت سوریه پایدارترین متحد و یکی از اعضای اصلی محور مقاومت ضد رژیم صهیونیسم و پل قابل اتکای ارتباطی با محور مقاومت در لبنان، یعنی حزب الله لبنان است. گرچه روابط دوستانه ایران و سوریه به دوران قبل از انقلاب و کمک کم سابقه سیصد میلیون دلاری ایران به حافظ اسد در سال ۱۹۷۵ بازمی‌گردد، پس از انقلاب این روابط شدت گرفته و به پیمان دفاعی ختم شد (Hashem, 2015)؛ به‌گونه‌ای که سوریه در جریان جنگ ایران و عراق در میان کشورهای عربی حامی اصلی سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران بود. با شدت یافتن بحران سوریه، از سال ۲۰۱۱، سپاه قدس به حمایت از بشار اسد پرداخت و ایران در جنگ داخلی سوریه به‌طور درخور ملاحظه‌ای از دولت سوریه پشتیبانی لجستیکی و فنی کرد و همچنین به آموزش نظامی برخی از نیروهای دولت سوریه پرداخت (Mehr News, 2015). در همین زمینه، سردار حسین همدانی در اردیبهشت ۱۳۹۳ اعلام کرد: «امروز ما به دلایل منافی چون انقلاب اسلامی در سوریه می‌جنگیم و دفاع ما در حد دفاع مقدس است. ۴۲ گروه و ۱۲۸ گردان متشکل از ۷۰ هزار جوان اسلامی، علوی، سنی و شیعه در قالب بسیج وطنی تشکیل شده و امنیت شهرها و استان‌های سوریه را در دست گرفتند ... امروز ۱۳۰ هزار بسیجی آموزش دیده منتظر ورود به سوریه می‌باشند» (همدانی، ۱۳۹۳: ۲). بنابراین علاوه بر نیروهای ایرانی، سپاه قدس از نیروهای وطنی سوریه در قامت نیروهای دفاع ملی استفاده می‌کند. همچنین گروه‌های «محور مقاومت افغانستان، پاکستان، لبنان» نیز با حمایت ایران به سوریه اعزام شدند که در این میان افراد شاخصی چون مهدی صابری، فرمانده گروهان علی‌اکبر تیپ فاطمیون به شهادت رسید (Doucet, 2020).

متحد دیگر دولت سوریه در بحران داخلی، روسیه است. ورود روسیه به این عرصه از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ با حملات هوایی علیه جبهه النصره و داعش و دیگر مخالفان حکومت سوریه شروع شد. پیش از این ورود مستقیم، نقش روسیه به‌عنوان متحد دولت سوریه عمدتاً شامل آماده‌سازی و تسلیح نیروی زمینی سوریه بود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این مداخله پس از ورود سردار سلیمانی در سال ۲۰۱۵ و برگزاری جلسات با سران روسیه و همچنین درخواست کمک نظامی از جانب دولت سوریه به‌منظور مقابله با مخالفان و شورشیان در سوریه به‌طور رسمی آغاز شد. به‌گونه‌ای که صبح روز ۷ اکتبر، مقامات روسی اعلام کردند چهار کشتی جنگی این کشور در دریای خزر ۲۶ موشک کروز به مواضع داعش در سوریه شلیک کرده و همگی به اهداف خود برخورد کرده‌اند. این موشک‌ها در مسیر ۱۵۰۰ کیلومتری خود از آسمان ایران و عراق گذشتند که

نشان‌دهنده هماهنگی میان دولت‌های عراق، ایران، سوریه و روسیه است (Al-Ameri, 2015). نیروهای مقاومت حزب‌الله و به‌خصوص نیروهای حشدالشعبی نیز دیگر گروه‌های حامی دولت سوریه هستند. توضیح آنکه در سال ۲۰۱۵ و با افزایش تلفات دولت سوریه و پیشروی نیروهای تکفیری، با حمایت ایران و درخواست دولت‌های سوریه و عراق، نیروهای مقاومت لبنان و حشدالشعبی عراق وارد سوریه شده و در نزدیکی جولان مستقر شدند. نمونه‌ای بارز از ورود نظامی حزب‌الله در سوریه، نبرد القصیر است. این شهر با جمعیت چهل هزار نفری در ۱۵ کیلومتری مرزهای لبنان قرار دارد و برای لبنان نیز با اهمیت است (Merat, 2019).



شکل ۵: موقعیت ژئوپلیتیکی القصیر در مرز لبنان (۱۳۹۷، tasnimnews)

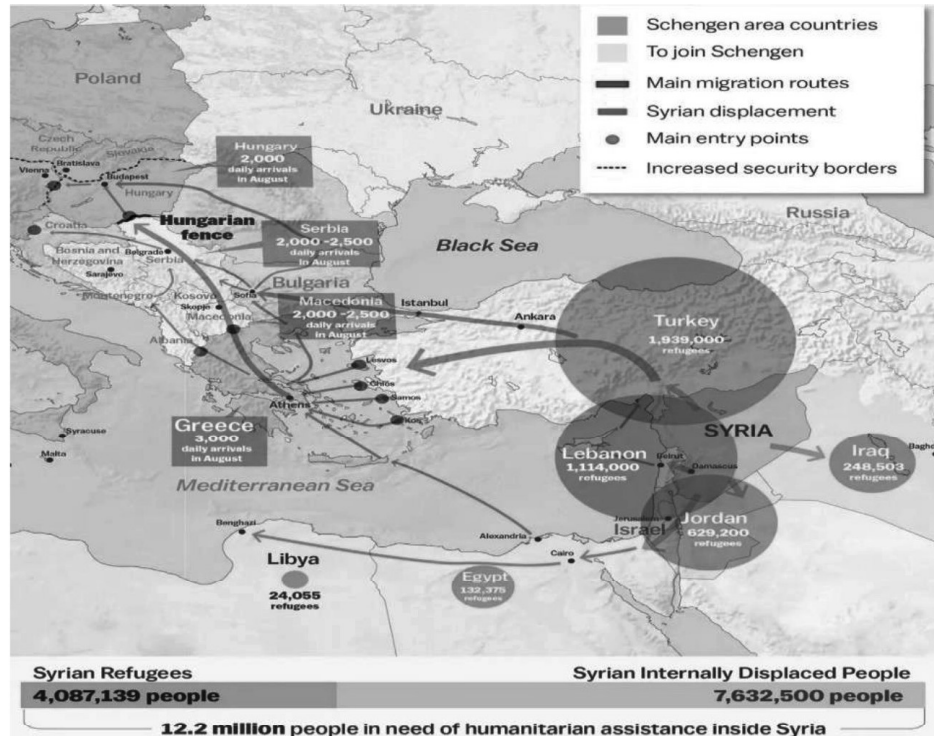
تروریست‌های تکفیری برای کسب موفقیت‌های بیشتر سوریه نیاز به تصرف القصیر داشتند؛ زیرا ۱. این شهر حد فاصل شرق و غرب است؛ ۲. دقیقاً گذرگاهی است که با کمک آن از روستاهایی چون القصیر، جوسیه و ربله و سایر روستاهای حومه به‌آسانی می‌توان وارد لبنان شد؛ ۳. پل ارتباطی با مناطق مرزی شمال است و در طول چند سال گذرگاه انتقال سلاح و تجهیزات برای مخالفان امنیت سوریه بوده است. به همین دلیل، مسلحین تونل‌های زیرزمینی از «تلکلیخ» به القصیر حفر کرده بودند. با علم به این مطالب، حزب‌الله لبنان با هماهنگی دولت سوریه، با جدیت وارد میدان شد. در نهایت، عملیات آزادسازی القصیر به‌دست نیروهای حزب‌الله لبنان و ارتش سوریه در خرداد ۱۳۹۲ آغاز شد. جنگ میان محور مقاومت و مخالفان دولت سوریه حدود ۱۵ روز به طول انجامید و در نهایت با پیروزی حامیان دولت سوریه و حزب‌الله به پایان رسید. این تنها حمایت حزب‌الله نبود؛ چنان‌که سید حسن نصرالله در یکی از سخنرانی‌های خود به‌صراحت اذعان داشت تا هر زمان که شرایط ایجاب کند و دولت و مردم سوریه نیاز داشته باشند، حزب‌الله در سوریه باقی خواهد ماند (The Economist, ۲۰۱۵). حشدالشعبی عراق نیز بارها حضور نیروهای خود را در جاده‌های مهم در مرزهای عراق و سوریه، به‌ویژه جاده‌عکاشات - الرطبه، برای مقابله با هر گونه حملات داعش تجهیز نمود.



شکل ۶: محدوده ائتلاف در راستای دفاع نظامی

فهم ماهیت تهدید

واکاوی سخنان رزمندگان سپاه قدس، به خصوص سردار سلیمانی در میان مدافعان حرم در سوریه، به خوبی نوع نگاه و شناخت آن‌ها را درباره گروه‌های تکفیری نشان می‌دهد. سلیمانی جبهه النصره و داعش را مخالفان دین خدا و منحرفانی می‌داند که جهاد با آن‌ها افتخار بوده و از نوع هجرت برای خداست و نفس حرکت در این مسیر ارزشمند است: «هر کسی در این جمع حضور پیدا کند، برای او یک افتخار است و دلیلش هم این است که شما یک ویژگی‌های برجسته‌ای دارید و آن اینکه اولاً برای خدا هجرت کرده‌اید ... هر کسی برای خدا مهاجرتی انجام بدهد، از آنجایی که این مهاجرت برای خداست، ولو اینکه در میدان جنگ هم شهید نشود، شهید است» (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۲). سلفی‌های تکفیری با هجوم بی‌رحمانه‌شان بسیاری از شهروندان را آواره و از کشور خود به بیرون از مرزها راندند. انتشار اخباری مانند ماجرای تلخ آیلان کردی،^۱ پسر سوری که وقتی به همراه خانواده‌اش در راه فرار به یونان بود در دریا غرق شد و جسدش در ساحل ترکیه پیدا شد و اسامه عبدالمحسن،^۲ پدر پناهنده سوری که روزنامه‌نگار مجارستانی جلوی دوربین به او لگد زد، نشان داده است که چگونه بحران پناهندگان سوریه در سطح انسانی تجربه شده است. هنگامی که به اصل تهدید و بحران به طور دقیق‌تر می‌پردازیم، متوجه می‌شویم این تهدید چگونه در مقیاس قاره‌ای گسترش می‌یابد؛ لذا شدت بحران بسیار واضح‌تر می‌شود (Vick, 2020).



شکل ۷: پراکندگی آوارگان سوریه (Beauchamp, ۲۰۱۵)

همان طور که از نقشه مشخص است، پناهندگان سوریه پس از ورود به قاره اروپا، اغلب به بالکان می‌روند تا در مجارستان یا کرواسی وارد اتحادیه اروپا شوند. اما در اتحادیه اروپا، پناهندگان با مبادی بسیاری از کشورهای اروپایی روبه‌رو می‌شوند که برای جلوگیری از ورود آن‌ها تلاش می‌کنند. به‌عنوان مثال، در مرزها بین مجارستان و همسایگان آن، یا بین اتریش و آلمان مانع بزرگ و خطرناکی برای جلوگیری از ورود پناهندگان تعبیه شده است. همان طور که روی نقشه مشاهده می‌شود، مجارستان برای جلوگیری از ورود پناهندگان، در مرز خود حصار ساخته است. یونان که از بحران مالی رنج می‌برد، پناهجویان را در مکان‌هایی مانند جزیره لسبوس^۱ مجبور به ایجاد شهرک‌های چادرنشین در نزدیکی بندر نموده است. در مجموع، در بحران سوریه بیش از هشت میلیون آواره‌سوری بین استان‌های آن سرگردان بودند؛ اما حدود ۱۲ میلیون سوریه‌ای مجبور به ترک خانه‌های خود شدند (Beauchamp, 2015).

به باور فرماندهان سپاه قدس، سلفی‌های جهادی علاوه بر آواره کردن بسیاری از شهروندان عراقی، اهداف ضد دینی و ضد حقوق بشری نیز دارند. سلیمانی با این شناخت از سلفی‌های جهادی، تقابل با آن‌ها و رویکردهای خشونت‌بارشان را جز از راه جهاد میسر نمی‌داند. از همین رو، به‌صراحت

1. Lesbos

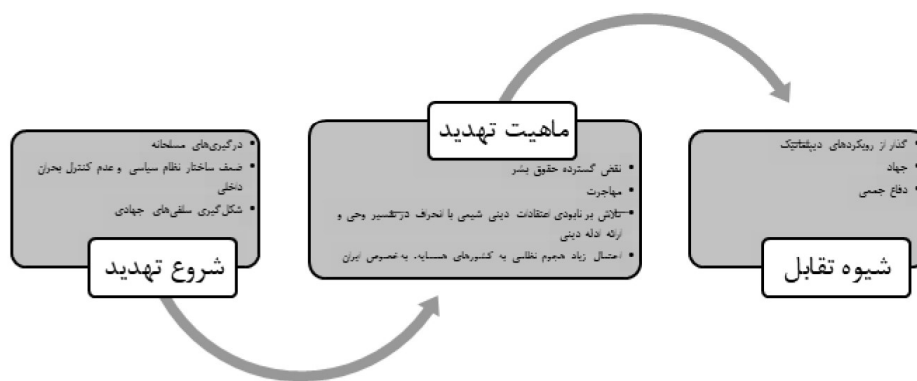
می‌گفت: «وقتی که منطق طرف مقابل این است که شما از نظر دینی واجب‌القتل هستی و کشتن تو و هر چه میزان بیشتر کشتن تو بهشت را بر او واجب می‌کند، برای کسی که تو را واجب‌القتل می‌داند، آیا امکانی برای دیپلماسی وجود دارد؟ اینجا جهاد می‌خواهد. چرا ولی‌فقیه و امام ما، امام امروز جامعه‌ما اصرار به ایستادگی و حمایت از این جبهه برای خشکاندن ریشه‌این خبیثه‌خطرناک کرد؟ این مسئله ساده نیست» (سلیمانی، ۱۳۹۹). سپس با استناد به نمونه‌هایی از شنود اطلاعاتی عنوان می‌کند که بین چند جوان وهابی دعوایی بر سر اینکه چه کسی زودتر عمل انتحاری انجام بدهد، شکل گرفته بود. آن‌ها بر اساس این منطق توانسته بودند ۱۵۰۰ عملیات انتحاری در طول هفت ماه در موصل انجام دهند. به اعتقاد سلیمانی، آنان هم دین ما را نشانه رفته‌اند و هم حقوق انسانی و بشری را به چالش کشیده‌اند (Azodi, 2017). بنابراین، باید با دفاع جمعی و جهاد با این اشخاص روبه‌رو شد. «این منطق، راهی جز اینکه شما با جهاد با آن مواجه بشوید، ندارد. او همه‌هدفش خشکاندن ریشه‌دینی شما است، وقتی شما را واجب‌القتل می‌داند و نوامیس شما را غارت خود می‌داند، همان کاری که در سنجار شده و همان جنایتی که در اسپایسر اتفاق افتاد و در جاهای دیگر و در سوریه اتفاق افتاد، اینجا منطقتش این است که باید ایستادگی کرد» (سلیمانی، ۱۳۹۹). بنابراین، این گروهک‌های جهادی تروریستی تهدیدی بالفعل برای سوریه و بالقوه برای ایران است (Vuillez, 2020). نباید به حوادثی که می‌شود در خارج از مرز از وقوع و ورود آن به داخل جلوگیری کرد، به دید سطحی نگریست. «آن خبیثی که اعلام دولت اسلامی عراق و شام را کرد، آن پل اول بود برای رسیدن به ما. آن کسی که همه‌جمعیت و مردمش واجب‌القتل بودند، اینجا بود؛ ایران اسلامی بود» (سلیمانی، ۱۳۹۹). بنابراین، سپاه قدس با مدیریت سردار سلیمانی، هم شناخت دقیقی از ماهیت تهدید و عمق استراتژی آن‌ها داشت و هم اهداف آنان را به‌خوبی شناسایی کرده و هم جغرافیای آرمانی آن‌ها را به‌خوبی رصد نموده بود.

سپاه قدس با شنود مکالمات سلفی‌های جهادی به‌خوبی متوجه عمق خطر و جغرافیای مدنظر آن‌ها شد. همچنین با جنایات و اعدام‌های خارج از اصول انسانی آن‌ها که در سوریه و عراق در قالب عملیات‌های متعدد انجام می‌دادند، آشنا بود. بنابراین به سیستم دفاع جمعی ایمان داشت و از سازمان‌های بین‌المللی ناامید بود. البته مستندات موجود نیز این اعتقاد آن‌ها را مستدل‌تر می‌کرد. به‌عنوان مثال شورای امنیت، علی‌رغم صدور قطعنامه‌هایی مبنی بر محکومیت کنش شبه‌نظامیان افراطی، به‌دلیل مقولاتی چون اختلاف‌نظر قدرت‌های بین‌المللی و دخالت‌های برخی از دولت‌های عربی همچون عربستان و امارات، در اتخاذ تصمیم مقتضی و الزام‌آور ناکام ماند. همان‌طور که

پیش‌تر نیز ذکر آن رفت، این عوامل باعث شد تا دولتی چون ایالات متحده با اتحاد با کشورهای عربی و غربی، نوعی منفعت‌محوری از ائتلاف بین‌المللی را برای تقابل با اسلام‌گرایان جهاد ایجاد کند. این اتفاق از منظر سپاه قدس صرفاً در ظاهر قضیه، حکایت از حساسیت جوامع بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ به اقدامات ضد انسانی گروه‌های تکفیری داشته است. در واقعیت امر «این دولت‌ها در قالب ائتلاف، اقدام به تفسیر مقوله‌های مختلف حقوق بین‌الملل نموده و با توسل به زور در خاک دولت میزبان، اصول بنیادین منشور حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده‌اند؛ چراکه توسل به زور جز با مجوز شورای امنیت، رضایت دولت یا استناد به ماده ۵۱ منشور ولی بدون توجه به شرایط حقوقی آن، فاقد وجهت منشوری در حقوق بین‌الملل معاصر است و نظام بین‌المللی را به نظم حقوقی پیش از تصویب منشور، عقب می‌برد» (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۱۵).

از نظر سپاه قدس عمده‌ترین دلیل بروز ناآرامی در سوریه، فتنه‌انگیزی خارجی از جانب غرب، اسرائیل و عربستان است. از منظر آنان، مثلث مزبور دلایل موجهی برای سرنگونی بشار اسد دارند؛ زیرا:

۱. سوریه تنها کشور عرب مستقل است که در منظومه‌هم‌پیمانان غرب محسوب نمی‌شود؛
۲. سوریه در خط مقدم مبارزه با توسعه‌طلبی‌های اسرائیل است و تاکنون تلاش‌های غرب برای گنجاندن آن در جریان سازش بی‌نتیجه بوده است؛
۳. بی‌ثباتی سیاسی در سوریه از نظر آمریکا، یعنی محاصره بیشتر ایران و حزب‌الله و حماس؛
۴. سوریه متحد سنتی ایران، یعنی اصلی‌ترین مخالف سیاست‌های آمریکا در منطقه است؛
۵. بی‌ثباتی در سوریه به معنی ممانعت از تقویت جبهه‌موسوم به هلال شیعی است که عربستان، یعنی مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه را به شدت نگران کرده است.



شکل ۸: ماهیت تهدید و رویکرد تقابلی

شناسایی دقیق و عملیاتی دشمن

شناسایی دقیق و عملیاتی دشمن یکی از ویژگی‌های مهم سیستم دفاع جمعی است. متناسب با این موضوع، دشمن باید به صورت دقیق شناسایی شده و رفتار و شیوه و کنش تهاجمی‌اش پیش‌بینی شود. به نظر می‌رسد سپاه قدس و سردار سلیمانی در این زمینه در کشور سوریه بسیار دقیق عمل نمودند. در همین راستا، سردار رحیم نوعی اقدام، فرمانده قرارگاه حضرت زینب (سلام الله علیها) در سوریه در رابطه با این موضوع می‌گوید: «دومین ویژگی سردار سلیمانی دشمن‌شناسی عملیاتی است. سردار سلیمانی ادبیات و شیوه‌های دشمن را به دقت می‌شناخت. او رفتار دشمن را در برابر حرکات ما پیش‌بینی می‌کرد و تشخیص می‌داد» (نوعی اقدام، ۱۳۹۸: ۱). از همین رو، طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی عملیات‌ها و حملات را به شیوه‌ای اجرا می‌نمود که با هر کنش نظامی دشمن بتوان مقابله نمود و پاسخ محکم داد. «اگر قرار بود به منطقه‌ای حمله شود، عکس‌العمل احتمالی دشمن را تشخیص و در طرح‌ریزی پیش از حمله مد نظر قرار می‌داد. بنابراین باید بگوییم که سردار سلیمانی از نبوغ خاصی در طرح‌ریزی عملیاتی برخوردار است» (نوعی اقدام، ۱۳۹۸: ۱).

همه‌این پیش‌بینی‌ها و عملیات‌های پیش‌دستانه ناشی از شناخت دقیق مخالفان دولت بشار اسد بود. از نظر سردار سلیمانی دشمنان دولت سوریه در ابعاد داخلی گروه‌بندی‌های زیادی داشتند. به عبارتی، به جز گروهک تروریستی جبهه النصره، ارتش آزاد و داعش، گروه‌هایی همچون جیش المجاهدین، احرار شام، جیش نصر، ادلب الحر، گروه فاستقم کما امرت، فیلق الشام، جیش عزت و جبهه شام از جمله گروه‌هایی هستند که در بسیاری از مواقع با یکدیگر متحد شده یا در کنار جبهه النصره و ارتش آزاد قرار می‌گرفتند و ساختار سیاسی نظامی دولت بشار اسد را به چالش می‌کشیدند (Weiss, 2013). رویکردهای راهبردی نظامی

که پیش تر به آن‌ها اشاره شد، نشان می‌دهد که سپاه قدس به‌خصوص سردار سلیمانی، شناخت دقیقی از این گروه‌ها به‌خصوص داعش، جبهه النصره و ارتش آزاد به‌عنوان مهم‌ترین مخالفان بشار اسد داشتند. از همین رو، به‌صورت قاطع با کمک نیروهای محلی، مردمی، مستشاری و گروهک‌های شیعی با آن‌ها مبارزه کردند؛ به‌گونه‌ای که سردار سلیمانی، هم از سوی برخی نظریه‌پردازان و هم از طرف بسیاری از مقام‌های سیاسی و نظامی جهان به‌عنوان فرد اول مبارزه با جبهه النصره و داعش معرفی می‌شود. یوگنی گونچاروف، افسر ارشد روسیه در عملیات ویژه ضد تروریستی در سوریه، در ارتباط با نوع شناخت و قدرت سردار سلیمانی در مواجهه با گروهک‌های تکفیری می‌گوید: «ژنرال بزرگ ایرانی به این خاطر مورد نفرت آمریکا قرار گرفت که توانست نیروهای بزرگی را در سوریه و عراق منسجم کند و بدون دریافت کمک‌های مالی قابل توجه و با استفاده از منابع محلی، نیروی بزرگی را تشکیل دهد که استخوان‌بندی تروریست‌ها را درهم شکست و وا‌شنگتن این را نمی‌توانست تحمل کند» (گونچاروف، ۱۳۹۹: ۲).

شناخت دقیق مقامات سپاه قدس و شخص سلیمانی از ماهیت و قدرت تخریب داعش این امکان را به او می‌داد تا بر مبنای سیاست منطقه‌ای ایران چنین عمل کند:

۱. سردار سلیمانی روسیه را مجاب کرد تا وارد جبهه مبارزه با داعش شود. توضیح آنکه او برای اقناع روسیه و از بین بردن تردیدهای این کشور برای ورود مستقیم به جنگ سوریه، در مرداد ۱۳۹۴ ملاقاتی ۱۴۰ دقیقه‌ای با پوتین داشت، تا روسیه را برای ورود به جنگ سوریه تشویق کند، با این قول و قرار که نیروی زمینی را ایران و حزب‌الله تقویت کنند و روسیه پشتیبانی هوایی را به عهده بگیرد (Solomon & Gorman, 2012). بر این اساس، یک ماه بعد روسیه وارد جنگ سوریه شد؛

۲. سردار سلیمانی در جنگ علیه داعش در ستاد فرماندهی موصل و ابوکمال هدایت امور را شخصاً به‌دست گرفت؛

۳. او برای انسجام کردهای خاورمیانه، تلاش کرد مانع فراندوم جدایی در کردستان عراق شود و با هماهنگی میان ترکیه و ایران و عراق، دولت اقلیم کردستان را مجاب نمود تا مقام‌های این اقلیم نتیجه فراندوم را کأن لم یکن اعلام کنند؛

۴. او حتی در تعیین سفرای رسمی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای حوزه مقاومت (سوریه، لبنان، عراق و...) نقش مشورتی و محوری داشت؛

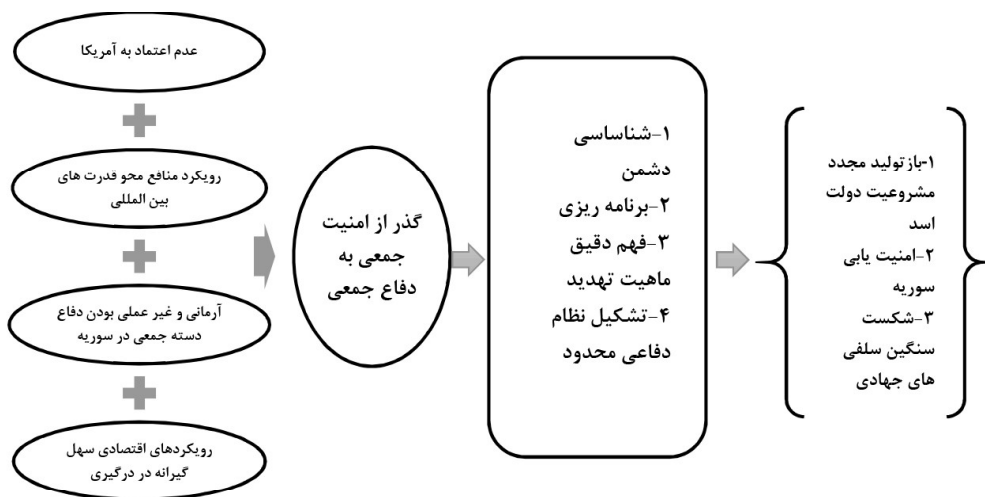
۵. وی همچنین برای هماهنگی بیشتر میان دولت ایران و سوریه، بشار اسد را در سفری محرمانه

به ایران آورد (Reuters, 2017).

نتیجه گیری

موارد مطرح شده حکایت از آن دارد که شناخت مناسب از دشمن، سپاه قدس و سلیمانی را در طراحی برنامه‌ها و ارائه مشاوره به مقام‌های بالادستی بسیار کمک می‌نمود. امری که در نهایت منجر به بازگشت امنیت به شهروندان سوریه و بازتولید مشروعیت نظام سیاسی آن کشور شد.

این یک واقعیت است که امروزه مهم‌ترین بحران‌های سیاسی در مناطقی رخ می‌دهد که قدرت‌های بزرگ خود را مسئول کنترل وقایع آن دارند. این مسئله باعث شده تا به طریقی اجتناب‌ناپذیر، مناطقی که اهمیت استراتژیک دارند با این رویکرد منفعت‌محور، بیشتر مستعد بحران و ناآرامی باشند. سپاه قدس و سردار سلیمانی با ایمان به اینکه شورای امنیت و قدرت‌های بین‌المللی با درپیش گرفتن سیاست امنیت جمعی، ائتلافی نیم‌بند تشکیل داده و عزم جدی برای تقابل با سلفی‌های جهادی ندارند، به ائتلاف محدود و رویکرد دفاع جمعی روی آوردند. ائتلافی که علاوه بر گروه‌های محلی و مردمی، دولت‌های روسیه، سوریه، ایران، عراق و حزب‌الله لبنان را دربر می‌گرفت. این ائتلاف دفاعی به پیشنهاد قاسم سلیمانی، برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات خود، یک دفتر همکاری مشترک برای مبارزه با سلفی‌های جهادی در دمشق در اکتبر ۲۰۱۵ دایر کرد. در روزهای اولیه عملیات، نیروی هوایی روسیه از طرف نیروهای مسلح سوریه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و بسیج مردمی سوریه (نیروهای دفاعی ملی) پشتیبانی می‌شد. علاوه بر این، هزاران نفر از نیروهای بسیج مورد حمایت ایران، متشکل از محور مقاومت افغانستان و پاکستان پس از عضویت در سازمان‌های تحت حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دریافت آموزش‌های لازم، به خط مقدم مبارزه با سلفی‌های جهادی فرستاده شدند. شناسایی دقیق دشمن و فهم ماهیت وجودی و هویت آن‌ها، این امکان را فراهم می‌ساخت تا سپاه قدس و سردار سلیمانی در تقابل با آن‌ها قاطعانه و با برنامه عمل نمایند؛ به گونه‌ای که نیروهای ایرانی و نیروهای متحد، با موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین پشتیبانی می‌شدند. برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از سیستم توپخانه‌ای این امکان را فراهم می‌آورد تا نیروهای ائتلاف دفاع نظامی با کمترین هزینه‌جانی، پیروزی‌های مهمی به‌دست آورند. اتفاقی که با ادامه یافتن آن، امنیت و آرامش جمعی شهروندان سوریه تأمین شد.



شکل ۹: سپاه قدس و عبور از امنیت جمعی به دفاع جمعی

منابع و مأخذ الف) منابع فارسی

۱. چهارباغی، مسعود، ۱۳۹۹، «ماجرای ۱۸ روز محاصره حاج قاسم در حلب؛ اولین بار همه چیز را از دست رفته دیدم»، https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/10/09/24_10608.
۲. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین و حیدر پیری، ۱۳۹۷، «مشروعیت مداخله‌نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل»، فصلنامه حقوقی بین‌الملل، دوره ۳۵، ش ۵۸، شماره پیاپی ۵۸، صفحه ۲۱۵ تا ۲۳۸.
۳. زال‌پور، خسرو، ۱۳۸۳، «نظام امنیت دسته‌جمعی و سازمان ملل متحد؛ مورد عراق»، رواق اندیشه، ش ۳۱.
۴. عاکفی قاضیانی، موسی و محمد عاکفی قاضیانی، ۱۳۹۹، «عملکرد نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد: توسل به زور با تجویز شورای امنیت»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، س ۱۷، ش ۱.
۵. گونچاروف، یوگنی، ۱۳۹۹، «افسر ارشد روس: دلاورمردی زرنال سلیمانی را هرگز فراموش نخواهیم کرد»، ۴ دی ۱۳۹۹، <https://www.ettelaat.com/?p=537474>.
۶. محمدی مصیری، علی، ۱۳۹۹، «شهادت سپهبد قاسم سلیمانی، بازتولید امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۳، ش ۴۹، ص ۵ تا ۲۸.

ب) منابع لاتین

1. Abdullahi, A. (2014). An Appraisal of The Concept of Collective Security Under International Law. LL.M Thesis, Department of Public Law, Faculty of Law, Ahmadu Bello University, Zaria, Nigeria
2. Al-Ameri, Hadi (2015). If Qasem Soleimani was not present in Iraq, Haider al-Abadi would not be able to form his cabinet within, Mehr News Agency, 5 January 2015. Archived from the original on 6 December 2019.
3. Al-Ameri, Hadi (2015). If Qasem Soleimani was not present in Iraq, Haider al-Abadi would not be able to form his cabinet within, Mehr News Agency, 5 January 2015. Archived from the original on 6 December 2019.
4. Azodi, Sina (2017). Qasem Soleimani, Iran's Celebrity Warlord, Atlantic

- Council. Archived from the original on 3 September 2018.
- 5.Azodi, Sina(2017). Qasem Soleimani, Iran's Celebrity Warlord, Atlantic Council. Archived from the original on 3 September 2018.
- 6.Beauchamp, Zack, (2015). The Syrian refugee crisis, explained in one map, Sep 27, 2015, <https://www.vox.com/2015/9/27/9394959/syria-refugee-map>.
- 7.Bergsmann, Stefan (2001). The Concept of Military Alliance, https://www.bundesheer.at/pdf_pool/publikationen/05_small_states_04.pdf
- 8.Byman, Daniel (2006). Remaking Alliances for the War on Terrorism, *The Journal of Strategic Studies*. 29 (5): 767–811.
- 9.Doucet, Lyse(2020). Qasem Soleimani: Thousands mourn assassinated Iranian general, BBC News Online. Archived from the original on 8 January 2020.
- 10.Hashem, Ali(2015). Iraq's Shiite forces claim victory over IS, 16 March 2015, Al-Monitor. Archived from the original on 20 March 2015.
- 11.Helal, M. S. (2018). The Myth of UN Collective Security, *Emory International Law Review*, 32(1), 1063-1097.
- 12.Housden, M. (2014). *The League of Nations and the Organization of Peace*, New York: Routledge.
- 13.Ki-moon, Ban (2013). Complete Text of Ban Ki-moon's Address, 'Crisis in Syria: Civil War, Global Threat', 20 June 2014, <https://asiasociety.org/blog/asia/complete-text-ban-ki-moons-address-crisis-syria-civil-war-global-threat>.
- 14.Krause, Volker; Singer, J. David (2001). Minor Powers, Alliances, And Armed Conflict: Some Preliminary Patterns, *Small States and Alliances*, 24 (4), pp. 15–23.
- 15.Kuo, Raymond (2019). Secrecy among Friends: Covert Military Alliances and Portfolio Consistency, *Journal of Conflict Resolution*. 64: 63–89.
- 16.Leeds, Brett Ashley (2003). Do Alliances Deter Aggression? The Influence of

Military Alliances on the Initiation of Militarized Interstate Disputes, *American Journal of Political Science*. 47 (3): 427–439.

17. Mcchrystal, Stanley(2019). Sardar Soleimani in the list of top 10 thinkers of Foreign Policy Magazine, Winter 2019, <https://foreignpolicy.com/gt-essay/irans-deadly-puppet-master-qassem-suleimani>

18. Mcchrystal, Stanley(2019). Sardar Soleimani in the list of top 10 thinkers of Foreign Policy Magazine, Winter 2019, <https://foreignpolicy.com/gt-essay/irans-deadly-puppet-master-qassem-suleimani>

19. Mehr News(2015). Iran's Soleimani pays tribute to fallen Hezbollah fighters, Mehr News. Archived from the original on 2 April 2015.

20. Mehr News(2015). Iran's Soleimani pays tribute to fallen Hezbollah fighters, Mehr News. Archived from the original on 2 April 2015.

21. Merat, Arron(2019). In an attack on Iran, misunderstanding Qasim Soleimani could be America's downfall, Prospect. Archived from the original on 9 December 2019.

22. Neuhold, H. (2016). *The Law of International Conflict, Force, Intervention and Peaceful Dispute Settlement*. Brill, Nijhoff, (5), doi:<https://doi.org/10.1163/9789004299931>

23. O'Connell, M. E. (2019). *The Art of Law in the International Community*, UK: Cambridge University Press.

24. Olson, Mancur; Zeckhauser, Richard (1966), An Economic Theory of Alliances, *The Review of Economics and Statistics*. 48 (3): 266–279.

25. Orakhelashvili, A. (2011). *Collective Security*, UK: Oxford University Press.

26. Pollack, Kenneth M(2017). Major General Qasem Soleimani, time.com, Archived from the original on 7 January 2020.

27. Reuters(2015). How Iranian general plotted out Syrian assault in Moscow,

- 6 October 2015. Archived from the original on 9 October 2015.
- 28.Reuters(2017). CIA chief Pompeo says he warned Iran’s Soleimani over Iraq aggression, Reuters. 2017. Archived from the original on 3 December 2017.
- 29.Solomon, Jay & Gorman, Siobhan(2012). Iran’s Spymaster Counters U.S. Moves in the Middleeast, Wall Street Journal. Archived from the original on 7 June 2016.
- 30.The Economist, (2015). Hizbullah’s learning curve: Deadly experience. 22 August 2015, <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2015/08/20/deadly-experience>
- 31.Tucker, Robert; Hendrickson, David C. (1992). The Imperial Temptation: The New World Order and America’s Purpose, Council on Foreign Relations, 21(6), pp. 64–65.
- 32.Turak, Natasha, (2020). The puppet master is dead’: Iranian Gen. Qasem Soleimani’s power, and why his death is such a big deal, JAN 3 2020, <https://www.cnbc.com/2020/01/03/who-was-iranian-general-qasem-soleimani-and-why-his-killing-matters.html>.
- 33.United Nations, (2019). Security Council Failing Thousands of People Detained, Abducted in Syria, Civil Society Speakers Say, Demanding Information about Missing Persons’ Whereabouts, 7 August 2019, <https://www.un.org/press/en/2019/sc13913.doc.htm>.
- 34.Vick, Karl (2020). Why the U.S. Assassination of Iranian Quds Force Leader Qasem Soleimani Has the U.S. Bracing for Retaliation, 3 January 2020, time.com. Time (magazine). Archived from the original on 3 January 2020.
- 35.Vuillez, William(2020). Pas de guerre contre l’Iran: des manifestants défilent aux États-Unis, 04/01/2020, <https://www.rtl.fr/actu/international/pas-de-guerre-contre-l-iran-des-manifestants-defilent-aux-etats-unis-7799833949>

36. Weiss, Micheal (2013). Rise of the Militias in Syria, RealClearWorld. Archived from the original on 2013-06-10.
37. Weiss, Michael (2014). Iran's Top Spy Is the Modern-Day Karla, John Le Carré's Villainous Mastermind, The Daily Beast. Archived from the original on 21 June 2016.
38. Weitsman, Patricia A. (2003). Dangerous Alliances: Proponents of Peace, Weapons of War 1st Edition, Stanford University Press; 1st edition.
39. Weller, M. (2015). The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law, UK: Oxford
40. Yacoubian, Mona, (2020). How the Soleimani Strike Impacts Syria and the Fight Against ISIS, <https://www.usip.org/publications/2020/01/how-soleimani-strike-impacts-syria-and-fight-against-isis>, January 7, 2020.

ج) تارنما

۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸، «دیدار دکتر رمضان عبدالله، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه با رهبر انقلاب»، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=8837>.
۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، «دیدار دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب»، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18890>.
۳. سلیمانی، قاسم، ۱۳۹۵، «سخنرانی حاج قاسم سلیمانی در جمع رزمندگان مدافع حرم»، عربمن ۱۳۹۵، <http://navideshahed.com/fa/news/396546>.
۴. سلیمانی، قاسم، ۱۳۹۹، «پاسخ حاج قاسم سلیمانی به یک پرسش: چرا وارد سوریه شدیم؟»، ۵ خرداد ۱۳۹۹، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/03/09/2274431>.
۶. نوعی اقدام، رحیم، «هشت ویژگی سردار سلیمانی در فرماندهی جنگ»، ۱۰ مهر ۱۳۹۸، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/10/2110072/%DB%8C%D8%A>.
۷. همدانی، حسین، ۱۳۹۳، «سردار همدانی: نظام سوریه از خطر سقوط خارج شده است»، <https://www.parsine.com/fa/news/188383/%D8%B3%D8%B1%D8%>